

تأثیر وضعیت اقتصادی در شکست مکیان مقابل مدینان

زینب کریمی*
شکرالله خاکرند*
فضل الله فولادی*



چکیده

عوامل متعدد اجتماعی، مذهبی، سیاسی در روند شکست مکیان در مقابل مدینان در پذیرش دین اسلام و تشکیل دولت اسلامی تأثیر داشته است. این پژوهش، دو متغیر شرایط اقلیمی و سیاست‌گذاری‌های اقتصادی را به دلیل تأثیر مستقیم بر شکست مکیان بررسی کرده و با رویکردی تاریخی و با استفاده از داده‌های برگرفته از منابع جغرافیایی و تاریخی و با روش توصیفی - تحلیلی، درصدد پاسخ‌گویی به این سؤال است که شرایط و وضعیت اقتصادی و امور تجاری بر شکست مکیان در مقابل اندیشه اسلام و از سوی دیگر همین دو متغیر در گرایش مدینان به اسلام چه تأثیری داشته است؟ نتایج بررسی‌ها حاکی از آن است که شرایط محیطی و اقلیمی مکه از عوامل اصلی رونق تجارت در مکه بود، ولی در همین اقلیم و محیط شاخصه‌هایی چون محیط بیابانی،

* . دانشجوی دکتری، گروه تاریخ دانشگاه شیراز Zeinab Karimi@gmail.com

* . دکترای تخصصی، دانشیار، دانشگاه شیراز khakrand@shirazu.ac.ir

* . دکترای تخصصی، استادیار، گروه آموزش تاریخ دانشگاه فرهنگیان ffouladi@cfu.ac.ir

اتکا بر تجارت و عدم گسترش کشاورزی سبب تقویت روحیه سوداگری و عدم تفکر مذهبی یا عدم توجه به بعد معنوی زندگی می‌کمان شد و از طرف دیگر شیوه‌ها و اصول نادرست و ناکارآمد اقتصادی، چون رباخواری، جابه‌جا کردن ماه‌های حرام و... موجب انحطاط در اخلاق تجاری و بازرگانی می‌کمان شده و آنان را در مقابل مدنیان، که اقلیم کشاورزی و باغداری و تجارت محدود منجر به انباشت ثروت در جامعه مدینه نشده بود، تضعیف کرد. همچنین عدم سیاست‌گذاری‌های نادرست اقتصادی و تجاری در مدینه سبب تقویت تفکر در امور دینی و منعطف بودن اخلاق مردمان مدنی در مقابل مکی شد. نتایج بررسی این دو متغیر از علل اصلی شکست مکه در مقابل مدینه در پذیرش اسلام شد.

کلیدواژه‌ها: می‌کمان، مدنیان، وضعیت اقتصادی، شکست، پیروزی.

مقدمه

منطقه حجاز، محل ظهور و گسترش اسلام در شبه‌جزیره بود دو شهر مهم مکه و مدینه در این منطقه واقع شده‌اند که دو رویکرد متفاوت نسبت به پذیرش اسلام در پیش گرفتند؛ به گونه‌ای که به‌رغم ظهور اسلام در شهر مکه، کمترین گسترش و پیشرفت را در این شهر داشت، ولی در مدینه بود که اسلام مورد پذیرش عمومی قرار گرفت و در نهایت از آنجا پرتو اسلام به دیگر نقاط ساطع شد. این سؤال پیش می‌آید این دو شهر با اینکه در یک منطقه واقع شده بودند و هر دو تحت آموزه‌های یک دین و اندیشه واحد به نام اسلام قرا گرفتند، چرا باید دو رویکرد و دو واکنش متفاوت را در مواجهه با آن داشته باشند؟ این مقاله با رویکردی تاریخی و روش تحلیلی - تبیینی در بررسی علل پذیرش اسلام از سوی مدنیان و عدم پذیرش آنان از سوی می‌کمان بر اساس شرایط محیطی و اقلیمی و تأثیرات آن بر امور اقتصادی و وضعیت اقتصادی به پرسش زیر پاسخ می‌دهد:

وضعیت اقتصادی چه تأثیری بر نوع عملکرد می‌کمان و مدنیان در مواجهه با اسلام نهاد؟

مفروضات بحث بر این است که وضعیت اقتصادی و ویژگی‌های اقلیمی و محیطی بر اصول اقتصادی و اندیشه اقتصادی دو سرزمین تأثیر گذاشته است و سبب

علمکرد متفاوت دو سرزمین مکه و مدینه در مقابل دعوت اسلام شده است. البته این مسئله به منزله عدم تأثیر گذاری وضعیت فکری، سیاسی، مذهبی و اجتماعی دو سرزمین در مقابل دعوت پیامبر ﷺ نبوده است، بلکه این مسئله به عنوان یکی از متغیرهای اصلی مورد توجه قرار گرفته است. از این رو هدف این پژوهش بررسی شرایط و وضعیت اقتصادی و تاثیرات اقلیمی و محیطی آن بر رویکرد مردمان مکه و مدینه نسبت به دعوت پیامبر ﷺ و نهایتاً تأثیر آن بر شکست مکیان در مقابل مدنیان دارد.

پیشینه پژوهش

برخی از پژوهش های صورت گرفته مرتبط با این حوزه عبارتند از: سام دلیری در مقاله ای تحت عنوان: «بررسی جامعه‌شناختی عدم گسترش اسلام در مکه و شکوفاشدن آن در مدینه» (۱۳۸۴) ضمن بررسی اجمالی شرایط جغرافیایی عربستان و زیست و فرهنگ مردمان مکه و مدینه معتقد است از عوامل عدم شکوفایی اسلام در مکه مغایرت آموزه‌های اسلام با باورها و سنت‌های موجود، مناسبات و نظم سیاسی - اقتصادی و اجتماعی حاکم و امتیازات آنان بوده و از عوامل رشد و شکوفایی اسلام در مدینه مجاورت اعراب با یهودیان و شکست اوس و خزرج و عدم وجود قشری منسجم و قدرتمند از شیوخ و اشراف برای مقابله با اسلام بود. این پژوهش از جهت بسترشناسی موضوع مفید است و تفاوت آن با مقاله حاضر در توجه پژوهش حاضر به وضعیت اقتصادی در عملکرد و رفتار این دو سرزمین در مقابل اسلام است.

گودرزی در مقاله «تسریع روند گسترش اسلام» (۱۳۸۵) به تأثیر قرآن و آموزه‌های آن و نقش پیامبر ﷺ، تأثیر یهود در مردم یثرب و نقش آنان در بیداری اوسیان و خزرجیان، و انعطاف پذیری و آشنایی مردم یثرب با حکمت، ایمان آوردن سران قبایل و تفاوت نژادی در روند گسترش اسلام در مدینه توجه داشته است. این پژوهش از حیث شناختی موضوع مفید و سودمند است، اما باید گفت: پژوهش حاضر به بعد اقتصادی و بررسی اثرات آن بر دو جامعه مکه و مدینه توجه دارد.

محمدیار محمدی در مقاله‌ای تحت عنوان «تأثیر موقعیت جغرافیایی شبه جزیره عربستان بر توسعه و گسترش اسلام» منتشر شده در مجموعه مقالات چهارمین کنگره بین‌المللی جغرافیدانان جهان اسلام (۱۳۸۹)، به طور کلی به کل شبه جزیره عربستان پرداخته است و در قسمت عمده‌ای از مقاله به تأثیر ادیان ملل هم‌جوار، بر شبه جزیره پرداخته است. این مقاله در برخی از موارد می‌تواند به‌عنوان پیشینه این تحقیق استفاده شود.

همچنین مقاله «تبیین شکست نظامی قریش در جنگ‌های صدر اسلام با تکیه بر پیشینه اجتماعی مکه و مدینه» (۱۳۹۴) اثر عبدالرحیم قنوات، در پژوهش‌نامه تاریخ تمدن اسلامی منتشر شده است. این مقاله به طور کلی دو بخش است. بخش اول به روایت و معرفی همه جنگ‌های کوچک و بزرگ دوره پیامبر ﷺ با قریش پرداخته و صرفاً جنگ‌ها توضیح داده شده است. بخش دوم به تحلیل دلایل شکست‌های نظامی قریش پرداخته است و به عواملی چون ضعف بودن روحیه جنگاوری در میان قریش و بالعکس قوت آن در میان انصار پرداخته شده و صرفاً در قالب این دو مورد تحلیل شده است. لذا مقاله حاضر از حیث پرداختن به ویژگی‌های جامعه‌شناختی در دو سرزمین مکه و مدینه و تحلیل سیاست‌های اقتصادی و تأثیر عوامل محیطی و اقلیمی، با مقاله حاضر متفاوت است. همچنین این مقاله صرفاً به جنگ‌های نظامی پرداخته است، ولی مقاله مورد پژوهش به بستر محیطی و انسانی دو شهر مهم اسلامی پرداخته است که این در حوزه کار پژوهش حاضر در اولویت قرار نگرفته است. از این نظر باید گفت تاکنون مقاله‌ای با این موضوع به صورت تخصصی منتشر نشده است.

بحث

اقتصاد و قشر بندی:

مدینه از نظر اقتصادی نسبت به مکه موقعیتی متفاوت داشت؛ زیرا مردم مکه برعکس مردمان مدینه به علت نداشتن زمین‌های مناسب و حاصلخیز، به تجارت و بازرگانی متمایل شدند و در این زمینه نیز قدرت و مکتب بسیاری به دست آوردند. مدینه بارو و حصارى نداشت و منطقه‌ای بیابانی و کوهستانی بود که در زمین هموار

و مسطح میان دو کوه احد و غیر قرار داشت (یعقوبی، ۱۴۲۲، ص ۱۵۱).

مدینه خالی از امور بازرگانی و تجاری نبود، ولی از این حیث باز با مکه متفاوت بود؛ زیرا بیشتر تجارت و بازرگانی در دست یهودیان بود و آن نیز بر پایه کشاورزی و کشت و زرع و نخلستان بود که در نواحی مختلف آن وجود داشته است (یعقوبی، ۱۴۲۲، ص ۱۵۱)؛ بنابراین اقتصاد مدینه اقتصادی کشاورزی بود که منجر به افزایش ثروت و انباشت سرمایه نمی شد. از این حیث با مکه بسیار متفاوت بود. استمرار، یکنواختی و خشکی صحرا در تکوین جسم و عقل بدویان تجلی یافته بود. عرب بدوی زراعت و دیگر حرفه‌ها و صنعت‌ها را مناسب شأن خود نمی دانست (حتی، ۱۳۴۴، ص ۳۳).

در امر پذیرش اسلام و پیامبر اسلام ﷺ رویکرد مردم یثرب با مردم مکه متفاوت بود. علت‌های این تفاوت نیز متعدد و درخور توجه است. مردم یثرب در برابر مردم مکه نسب، نوع زندگی و معیشت متفاوتی داشتند. به گفته ماکس وبر دهقانان به علت تماس بی‌واسطه و دائمی که با طبیعت دارند به صور - فوق طبیعی از مراتب امور عینی تعلق خاطر بیشتری نشان می دهند؛ در حالی که سرشت فعالیت تجار با امور دنیوی مجانست بیشتری دارد تا با امور روحانی و هرچه بازرگانان و صاحبان صنایع نیرومندتر شوند، به مسائل آن دنیا بی‌ربط‌تر می شوند. درباره مردم یثرب و مکه نیز این تفاوت وجود داشت (فروند، ۱۳۶۲، ص ۲۱۲). هرچند برای مردم مکه مبانی و تعالیم اسلام برهم‌زننده ساختار حاکم بر آنجا بود، برای مردم یثرب پیام آور صلح بود. از سوی دیگر، شیوه زندگی زراعتی و کشاورزی در یثرب مانع از ایجاد شکاف طبقاتی می شد که همانند روشی که در مکه وجود داشت، جلوی پذیرش اسلام را بگیرد (جعفریان، ۱۳۷۳، ص ۱۲۳). در یثرب این سران قبایل بودند که با پذیرش اسلام، زمینه پذیرش افراد قبیل خود را فراهم می کردند؛ مثل آنچه در قبیل بنی‌عبدالشهل رخ داد؛ در حالی که در مکه این سران قبایل و شیوخ بودند که به مخالفت با پیامبر و تازه‌مسلمانان برمی‌خاستند و کسانی که مسلمان می شدند بیشتر از جوانان و افراد طبقات متوسط و ضعیف جامعه بودند (سام دلیری، ۱۳۸۴، ص ۸۲).

اقتصاد مکه فردگرایی و انگیزه موفقیت و پیشرفت در انسان را برمی‌انگیخت. وانگهی محدودیت‌های کمتری در مورد کسب ثروت شخصی در کار بود. در صحرا نسبت به تعدد شترهایی که یک عرب بادیه‌نشین می‌توانست در اختیار داشته باشد و تعداد شتربانی که می‌توانست اجیر کند محدودیتی طبیعی وجود داشت، اما در مکه سرمایه، کالاهای تجملی و فلزات قیمتی ثروت شخصی را زیاد می‌کرد. در نتیجه جامعه دارای تنوع و قشربندی بیشتری می‌شد (ترنر، ۱۳۸۰، ص ۷۹).

در جامعه مکه دیگر نه مجرد عشیره‌ها بودند، نه گروه‌های خویشاوندی متمرکز در یک محل، بلکه عبارت بودند از دسته‌های سوداگر ثروتمند، خانواده‌ها و بستگان آنها. این جمعیت وابسته نیز خود از چندین گروه تشکیل می‌شد و تفاوت شأن و منزلت اجتماعی که در میان چادرنشینان چوپان امری کم‌اهمیت بود در مکه اهمیت عمده‌ای یافت (ترنر، ۱۳۸۰، ص ۷۹).

بنابراین باید گفت برخلاف شیوه و اصول تجارت و امور بازرگانی در مکه، شیوه‌ها و اصول تجارت در مدینه متفاوت از مکه بود و همین تفاوت سبب رشد و اعتلای تجارت در مدینه شد که در گسترش و توسعه اسلام نقش مهمی داشت. بالعکس مکه و تجارت نزد مشرکان که از آستانه اسلام و بعد از آن نه تنها نتوانست سبب تقویت مشرکان گردد، بلکه سبب تضعیف و در نهایت شکست ایدئولوژی مشرکان مکه در مقابل مدنیان بسیار مؤثر بود.

تضعیف موقعیت تجاری قریش

از آنجا که مشرکان مکه بزرگترین خطر برای اسلام در مدینه بودند به همین دلیل حملات نظامی متمرکزی با هدف ناامن کردن راه‌ها و مسیرهای تجاری قریش به شام و عراق سازماندهی شد تا از این روش قریش را تحت فشار قرار دهند (اصفهانی، ۱۹۵۵، ج ۶، ص ۳۲۵). هدف پیامبر ﷺ از این اقدامات تضعیف موقعیت تجاری قریش مکه و حمله به کاروان‌های تجاری آنها در مسیر مکه به شام و حتی مکه به یمن بود (واقعی، ۱۴۰۹، ج ۱، ص ۱۴). تضعیف موقعیت تجاری قریش یک استراتژی راهبردی

و بلندمدت از سوی پیامبر ﷺ بود. این امر به قدری تأثیرگذار بود که در گزارشی از ابن شبه، ثمامه بن اثال بعد از اسلام آوردن و بازگشت به مکه به اشراف هشدار می‌دهد که «به خدا سوگند! از این پس حتی یک دانه گندم از یمامه برای شما نخواهد آمد، مگر آنکه رسول خدا اجازه فرماید» (ابن شبه، ۱۳۸۸، ص ۴۰۲).

جایگاه بازار در امور اقتصادی مدینه: بازارها در مدینه بسیار پررونق بود، برخلاف مکه که عمدتاً بازار محل خرید و فروش کالا و تا حدی دلالی بود. در مدینه بازار نبض یک جامعه بود و دارای حرف و مشاغل زیادی بود و اصناف و پیشه‌وران مانند تمار (خرمافروش)، نجار، بزاز، سلاخ و جزار (قصاب) در آنجا بودند و در بازار قسمتی را به نام خود داشتند (میرسلیم، ۱۳۷، ج ۳، ص ۳۵۱)؛ بنابراین بازار در مدینه وضعیتی متفاوت با این مفهوم در مکه داشت که عمدتاً مرکز تولید شغل و گسترش حرف و اصناف بود و کمتر وجهه دلالی، محل انباشت ثروت‌های نامشروع بود و این مهم، یعنی بازار، نقشی مهم در سیاست‌گذاری‌های اقتصادی مدینه داشت که به یکی از نقاط برتری مدینه و مدنیان در مقابل مکه و مکیان تبدیل شد و در پیشبرد اهداف دین اسلام نقشی مهم داشت. در سیاست‌گذاری‌های اقتصادی در مکه روابط بر پایه فقیر و غنی، دارا و ندار، مستکبر و مستضعف بود که این سیاست‌ها در مدینه اصلاح و در نهایت در تلاش برای ملغی شدن آن برآمدند.

مقابله با انحصارطلبی در بازار: یکی از افت‌ها یا آسیب‌های امور تجاری انحصارطلبی بوده و هست. در مکه این انحصار بازار و امور تجاری عمدتاً در دست قریش بود و این امر سبب انباشت ثروت در دست قریش، افزایش قدرت آنان و در نتیجه اعمال زور و تزویر بر دیگر اقشار جامعه شده که نتیجه آن دوقطبی شدن جامعه و در نهایت عدم رضایت عمومی شد که منجر به شکست ایدئولوژی مکیان در مقابل اسلام و مدنیان شد. حال این انحصارطلبی در ابتدای ورود پیامبر به مدینه نیز وجود داشت و انحصار بازار در دست یهودیان مدینه بود و پیامبر در صدد مقابله با آن برآمدند. هنگامی که پیامبر به مدینه هجرت کرد، رسول خدا با بررسی ابزار بنی قینقاع،

ملاحظه کردند که یهودیان در بازار در معاملات خود به مردم ستم کرده و به نوعی دست به غارت و چپاول اموال مردم می‌زنند. از این نظر، پیامبر در مدینه بازاری تأسیس کردند که برای این سلطه و سیطره یهودیان در تجارت یثرب محدودیت ایجاد کنند (حمود الجبوری، ۲۰۱۱، ص ۳۱۳)

آمده است که رسول خدا خواست برای مسلمانان بازاری قرار دهد، به بازار بنی قینقاع رفت و سپس به بازار مدینه آمد و آن را با پا زده و فرمود: این بازار شماسست و از آن خراجی گرفته نمی‌شود. بازار در محله بنی قینقاع بود تا اینکه از آنجا منتقل شد (سمهودی، ۱۴۰۴، صص ۷۴۸-۷۴۷). از این گفته چنین برمی‌آید که پیامبر درصدد برآمدند که از تجربیات تجاری این قبیله استفاده کرده و همچنین سبب افزایش توان تجاری و اقتصادی مسلمانان و انصار شوند. از سوی دیگر تجربه زیاد یهودیان در امر تجارت و امور غیردینی چون رباخواری باعث رکود اقتصادی مسلمانان شده بود و این امور سبب شد رسول خدا برای زمینه‌سازی رشد بازار مسلمانان و حمایت از دکانداران، بازار مسلمانان را از یهودیان جدا کرد (ابن قتیبه، ۱۹۶۰، صص ۵۷۵ - ۵۷۷). بدین ترتیب به انحصارطلبی یهودیان در امور تجاری به صورت تدریجی خاتمه دهند.

تلاش اقتصادی به مثابه جهاد در راه خدا: در مدینه راه‌های نوین برای توسعه اقتصادی به کار گرفته شد که همه مبتنی بر عوض شدن ایدئولوژی تجاری بود. در گذشته، یعنی قبل از اسلام و در مکه، تجارت برای کسب سود و سرمایه بیشتر و کسب رفاه مادی بود، اما در مدینه پیامبر اسلام به این اندیشه، خط فکری دیگری تزریق کرد؛ رویکرد معنوی و تلاش برای کسب پاداش اخروی در امور تجاری. به گونه‌ای که بر اساس آیات قرآن دادن قرض الحسنه یک تلاش معنوی معرفی شده است که سبب بخشوده شدن گناهان و افزایش چندین برابر سرمایه می‌شود (بقره: ۲۴۵). این یکی دیگر از وجوه متفاوت سیاست‌گذاری‌های اقتصادی مدینه در مقابل مکه است؛ که در رشد و پیشرفت مسلمانان مؤثر افتاد.

این در حالی بود که قبیله قریش، و به طور کلی مکیان، به مرور شهرنشین شده‌اند و به تجارت و ثروت و آرامش خو گرفتند. در این شرایط مردان این قبیله برای

مدت‌های طولانی از جنگ و درگیری نظامی دوری کردند. در توضیح این موضوع باید اشاره کرد که در شرایط جدید، هم زمینه‌های چنین درگیری‌هایی از بین رفته بود و هم قریش اصولاً چنین منازعاتی را مغایر با اهداف اجتماعی و به‌خصوص اقتصادی خود می‌دانست و از وارد شدن به آن‌ها اجتناب می‌کرد (قنوت، ۱۳۹۴، ص ۱۹۸).

تقویت فرهنگ اسلامی در بازار: آمده است زمانی که پیامبر به بازار می‌رفتند، هرگز با صدای بلند صحبت نمی‌کردند (بیهقی، ۱۴۰۵، ص ۳۱۰). از این طریق پیامبر رویکرد منزلت و احترام را در بازار مدینه ترویج می‌کردند که سبب برتری آنان در امور تجاری نسبت به مکه می‌شد. شاید در بازار فقط تلاش برای فروش کالا مطرح بود آن هم با هر تن صدایی!

عدم شکاف طبقاتی ناشی از شیوه معیشت: اقتصاد کشاورزی در حد معیشت در میان اعراب مانع از ظهور قشری ثروتمند و با گستره زیاد می‌شد؛ از این رو شکاف طبقاتی به آن صورت که در مکه وجود داشت در یثرب وجود نداشت. البته در یثرب نیز مانند دیگر نقاط شبه‌جزیره به دلیل زندگی قبیله‌ای گروهی از بزرگان حضور داشتند که تصمیم‌گیری درباره قبیله را بر عهده داشتند و به عنوان حافظ ثروت و معیشت از وضعیت بهتری برخوردار بودند. هر چند تفاوت دارایی شیوخ و دیگر اعضای قبیله وجود داشت، اما عدم وجود قشر گسترده ثروتمند و منسجم آن‌گونه که در مکه دیده می‌شد به دلیل نوع معیشت و اقتصاد یثرب امری پذیرفتنی است (شهیدی ۱۳۶۹، ص ۵۶).

محیط جغرافیای مکه و تأثیر آن بر رویکرد اقتصادی

حجاز که به بخش شمالی و غرب شبه‌جزیره اطلاق می‌شود از فلسطین تا مرز یمن را دربرمی‌گیرد. این منطقه سرزمینی کوهستانی و دارای بیابان‌های لم‌یزرع و سنگلاخ زیاد است و شهرهای مهم آن مکه، مدینه و طائف است (سیرد امیرعلی، ص ۳-۵). عوامل جغرافیایی و محیطی همراه به صورت پنهانی و پویا اخلاق و اراده انسان را تحت تأثیر قرار می‌دهند و اخلاق نه امری کاملاً نفسانی و نه امری کاملاً متأثر از

محیط است، بلکه همواره عوامل جغرافیایی و محیطی، جسم و به تبع آن نفس و اخلاق انسان را تا حدی تحت تأثیر خود قرار می دهند.

لذا محیط سخت، خشک و خشن مکه سبب شکل گیری روحیه ای سخت و خشن در مکیان شد و در مقاومت در مقابل دین اسلام تأثیر گذار بود؛ به طوری که ابن سینا مزاج انسان را بسته به نژاد و آب و هوای موطن او می دادند و در این باره گفته است: «به نظر می رسد که هر یک از اصناف ساکنان زمین دارای مزاج خاصی موافق با آب و هوای آن اقلیم هستند و در هر مورد، مزاج دارای جنبه افراط و تفریط می گردد (ابن سینا، ۱۳۶۷، ص ۸) لذا «گرم مزاجی مغز، در هم شدن عقل و پراکنده گویی را به بار می آورد که این حالت سبک سری و شتاب در تدبیر و ناپایداری در تصمیم را به دنبال دارد و از طرفی خشک مزاجی سبب بی خوابی می شود و مردمان بی خواب را باید خشک مزاج شناخت» (ابن سینا، ۱۳۶۷، ص ۳۱ و ۳۲). این ویژگی ها درباره شهر مکه و اهالی آن صدق می کند؛ زیرا مکه نیز آب و هوای خشک داشته است.

ساکنان مکه را عمدتاً بادیه نشینان تشکیل می دادند این امر یعنی بادیه نشینی و رواج آن و محیط بادیه مکه سبب مقاومت در مقابل اسلام شد به طوری که خداوند در قرآن کریم در رابطه با بادیه نشینی می فرماید: «بادیه نشینان کفر و نفاقشان بیشتر است و به غفلت از حدود اوامری که خداوند بر پیغمبر خویش نازل کرده شایسته تر هستند... و برخی بادیه نشینان به خدا و روز جزا ایمان دارند و آنچه انفاق می کنند را مایه تقرب به خدا و دعای پیغمبر می دانند» (توبه: ۹۷-۹۹). همچنین پیامبر ﷺ در احادیثی فرموده اند: «هر کس ساکن بادیه شد سخت خو خواهد شد» و در روایتی دیگر «هر که بادیه نشین بود سخت خو شد» (محمد امیریان، ۱۳۸۰، ص ۳۶۵).

بنابراین شرایط محیطی مکه با توجه به خشکی و سختی و کم آبی در رویکرد سخت بودن ساکنان آن، تأثیر گذار بود؛ به طوری که خشک و سخت بودن محیط در عدم انعطاف پذیری آنان در مقابل اسلام نیز تأثیر گذار بود و مکیان به شدت و بدون انعطاف پذیری در اندیشه حفظ بنیان های اقتصادی خود بودند.

وضعیت اقتصادی در مکه

بدوی زندگی شهرنشینی را تحقیر می‌کرد؛ زیرا نتیجه آن اطاعت از مقررات قانون و مقتضیات تجارت بود. او صحرا را دوست می‌داشت؛ زیرا در آنجا از آزادی کاملاً بهره‌ور بود (دورانت: ۱۳۴۳، ج ۷، ص ۴).

تجارت و وجود کعبه که موجب توسعه و مرکزیت شهر مکه شده بود موجب افزایش قدرت قریش در مکه نیز شده بود؛ زیرا هم نبض اقتصاد و هم شئون مذهبی کعبه را در دست داشتند. قریش از طریق تجارت، ثروت‌های گزافی انباشتند و ثروت‌اندوزان بزرگی در مکه پدید آمدند که ارقام ثروت برخی از آن‌ها مبالغه‌آمیز به نظر می‌رسد. (لوبون، ۱۳۳۴، ص ۱۰).

اشراف قریش در منطقه بیلاقی و باصفای طائف که از نظر خوشی آب و هوا، پاره‌ای از سرزمین شام نامیده می‌شد باغ‌ها و بیلاق‌هایی داشتند؛ چیزی که موجب رستگاری قریش شد موقعیت جغرافیایی آن‌ها بود. شهر آن‌ها در وسط راه واقع شده بود. چاه زمزم هم در واقع آنجاست و هر قافله‌ای که از آن می‌گذشت از آن آب بهره‌ور می‌شد. کعبه نیز در دست قریش بود و اعراب آن را تقدیس کرده و مرکز دیانت می‌دانستند (امین، ۱۳۱۶، ج ۱، ص ۲۸).

به دلیل آنکه شهر مکه در منطقه‌ای خشک و کم‌آب و سنگلاخی واقع شده بود کشاورزی یا سایر کارهای تولیدی در آن وجود نداشت و مردم آن از قدیم ناگزیر بودند زندگی خود را از راه تجارت تأمین کنند، ولی تجارتشان جزئی و محدود به مکه بود. باید اشاره کرد که حمله حبشی‌ها به یمن باعث رونق تجارت در مکه و روی آوردن قریش به تجارت شد.

یکی از علل سفر جنگی حبشه به مکه مسئله بازرگانی و قطع دست قریش از تجارت با روم و حبشه و یمن و اقیانوس هند بوده است (زریاب، ۱۳۷۶، ص ۵۰).

مکه به‌عنوان حلقه اتصال بین خطوط بازرگانی یمن و شام قرار گرفته بود و به این ترتیب قریش تجارت با خارج را آغاز کرد و اهمیت مکه فزونی یافت و ثروت آن

زیاد شد و مردمش در تجارت به قدری مهارت یافتند که در آن عصر هیچ کس به پای آن نمی‌رسید (هیکل، بی‌تا، ص ۱۴۴).

به طوری که گشایش این راه بازرگانی، شهر مکه را به یک مرکز تجاری پرسود تبدیل کرد و تحول بزرگی در وضع مردم این شهر به وجود آورد. خداوند برقراری این سفر بازرگانی را مایه رفاه و گشایش زندگی قریش معرفی می‌کند (قریش: ۱۴).

قریش که ریاست شهر مکه را به دست گرفته بودند کم‌کم کار تجارت و بازرگانی را آغاز کردند و محصولات جنوب و شرق عربستان را به بندرهای کنار دریای مدیترانه بردند و بازارهای دمشق کالاها را به حجاز می‌آوردند. قریشیان به کار تجارت پرداختند و از این رو مکه محل رفت و آمد قبایل عرب شد (پیشوایی، ۱۳۷۸، ص ۹۰)؛ از این رو می‌توان تجارت مکه در آن دوره را امری فرا سرزمینی برای مکیان و قریشیان دانست که از اهمیت زیادی برخوردار بود و در جهت حفظ آن تلاش بسیار می‌کردند و در نتیجه به موضع‌گیری در مقابل اسلام نیز کشیده شدند.

عدم پایبندی به اصول اخلاقی: اعراب به منظور جلوگیری از جنگ چهار ماه رجب، ذی‌القعدة، ذی‌الحجه و محرم را حرام می‌شمردند و در آن به جنگ نمی‌پرداختند و این سنت را به‌جای مانده از دین حنیف ابراهیم علیه السلام می‌دانستند (زمخشری، ج ۲، ص ۲۶۹)، اما این مسئله در دوره جاهلیت نقض شد و به این سبب این جنگ‌ها به فجار معروف شد. گاهی این طبیعت راهزنی و نافرمانی در میان قبایل عرب بر حدودی که خود می‌نهادند فائق می‌آمد. (زریاب، ۱۳۷۶، ص ۹۲)

قبل از اسلام جنگ کردن در ماه‌های حرام، حرام بود و اسلام نیز این امر پسندیده را امضا کرد (سبحانی، ۱۳۵۱، ج ۱، ص ۴۹) این جنگ ناشی از توجه و اهمیت فراوان قریش به امر تجارت، حتی به قیمت عدم رعایت اصول اخلاقی، و زیر پا نهادن امر جنگ در ماه‌های حرام در مکه بود.

غرور: از طرف دیگر مردم مکه (به هنگام بعثت) به فکر افزایش ثروت و قدرت بودند و آنان که اندک موقعیتی به دست می‌آوردند کم‌کم دچار غرور شده و کارشان به گستاخی کشید و در اعتقاد به قدرت بشر غلو کردند، اما قرآن به جنبه‌های دینی آشفته مکه توجه داشت و مردم را دعوت می‌کرد که به قدرت و رحمت آفریدگار خود اقرار کنند تا نتیجه آن انکار قدرت ثروتمندان باشد. به علت این مسئله است که قرآن درصدد اصلاح و از بین بردن گستاخی و غرور ناشی از ثروت برآمده بود و آن را ریشه ماده‌پرستی بشر و در هم ریختن اوضاع سیاسی جامعه در آن زمان می‌دانست. (مونتگمری وات، ۱۳۴۴، ص ۶۷)

رباخواری: رباخواری در عربستان شایع بود و ثروتمندان عرب با دادن قرض‌های ربوی، بر اموال خود اضافه می‌کردند و علاوه بر نیازمندان که جهت تامین مایحتاج خود وام می‌گرفتند بازرگانانی که سرمایه کافی در اختیار نداشتند نیز قرض می‌گرفتند. این افراد به طمع اینکه از راه بازرگانی می‌توانند به سود بیشتری دسترسی پیدا کنند ربا می‌دادند (جواد علی، صص ۴۰۴ و ۴۲۱).

به دلیل گسترش تجارت در مکه به وسیله فرزندان قصی بن کلاب، بر اهمیت پیشین مکه، که مذهبی بود، افزوده شد تا جایی که مکه به شهری تجاری تبدیل شد؛ و این رونق تجارت سبب ایجاد طبقه‌ای از اشراف شد که علاوه بر تجارت، به رباخواری و تحصیل درآمد از راه برپایی بازارچه‌های فصلی نیز اشتغال داشتند (زرین کوب، ۱۳۶۲، ص ۱۱)

رباخواری در معاملات اعراب وجود داشته است و از این کار پروایی نداشتند. آنان برای رسیدن به سود بیشتر این کار را انجام می‌دادند و خداوند آنان را از این کار بر حذر داشته است (بقره: ۲۷۵ و ۲۷۸).

تجارت و مراوده با ملت‌های دیگر: مکه بر سر راه تجاری سرزمین‌هایی مانند یمن، شامات و حبشه قرار داشت و بدین جهت قریش به شهرت و قدرت زیادی رسیده بود. در کنار این اشتغالات تجاری روابطی با پادشاهان مختلف از یمن، حبشه، ایران و روم

برقرار شده بود و پیمانی که قریش با احابیش، یعنی گروه‌های مستقر در کوه‌های مکه بسته بود، سبب قدرت آنان شد (جعفریان، ۱۳۸۰ش، صص ۱۷۸-۱۷۷).

همین ارتباطات و پیمان‌های مختلف سبب می‌شد قریشیان کمتر به فکر دین و مسائل آن بوده و بیشتر سعی در حفظ روابط تجاری و منافع خویش داشته باشند.

شکل‌گیری طبقه اشراف و عامه: تجارت در مکه موجب شکل‌گیری طبقه‌ای از اشراف شد (ابن هشام، ۱۹۸۵، ج ۱، ص ۱۴۷) که علاوه بر تجارت به رباخواری نیز اشتغال داشتند و با حضور در بازارهای موسمی، کسب و کار می‌کردند. بردگان، کنیزان و کارگران طبقه زیرین بودند و حد فاصل این دو طبقه اجتماعی، طبقه متوسطی بود که به پیشه‌وری، خرده‌تجارت و دامداری اشتغال داشت.

آنچه سران و تجار بزرگ قریش را به مخالفت با پیامبر ﷺ ترغیب کرد ترس از به خطر افتادن تجارتشان و از دست رفتن تولید کعبه بود که به علت نفی پرستش بت‌ها احساس می‌شد؛ لذا اقتصاد تجاری در مکه سبب ایجاد قشربندی اجتماعی متنوعی شد که در رأس این سلسله‌مراتب اجتماعی، اشراف و بزرگان و شیوخ قبایل قرار داشتند و سرمایه و تجارت شهر را در اختیار و انحصار خود داشتند. در پایین این سلسله‌مراتب نیز بردگان، کنیزان، کارگران و مزدبگیران قرار داشتند که بارها کردن دامداری و بیابان‌گردی به خدمت اشراف درآمده بودند. در میان این دو گروه طبقه متوسطی نیز وجود داشت که به مشاغل چون پیشه‌وری و تجارت خرد و دامداری می‌پرداختند (سام دلیری، ۱۳۸۴، ص ۸۱).

انباشت ثروت در مکه: اقتصاد شهر مدینه به دلیل کشاورزی بودن، مازاد تولید نداشت و این نوع از اقتصاد نمی‌توانست به شکل‌گیری قشری ثروتمند، همانند آنچه در مکه وجود داشت، منجر گردد. از طرفی مدینه نسبت به مکه شهری منزوی، دور از موقعیت تجاری و فاقد ویژگی‌های تقدس نزد بقیه اعراب بود. نبود این ویژگی‌ها سبب شد منافع بزرگان مدینه با وجود اسلام به خطر نیفتد (سام دلیری، ۱۳۸۴، ص ۹۹).

نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر در پی پاسخ به این سؤال بود که وضعیت اقتصادی مکه و مدینه چه تأثیری بر عملکرد آنان داشت. این بررسی نشان داد یکی از عوامل تأثیرگذار در شکست مکیان در مقابل مدنیان وضعیت اقتصادی بود. شرایط اقتصادی مکیان را تاجرانی به بار آورده بودند که سعی در افزایش مال و ثروت خویش با هر شیوه و روشی حتی غیرمشروع و غیرقانونی داشتند و شرایط اقلیمی سخت و خشن در مکه نسبت به مدینه سبب تولید تفکر مادی و تلاش بی‌وقفه برای افزایش سود و تقویت روحیه سوداگرایی شده بود. هر چیزی که ممکن بود منافع مکیان را به خطر اندازد با آن مقابله می‌شد. همین امر سبب ورود روش‌های غیرشرعی و غیرقانونی در امور کسب و کار شد و مکیان شیوه‌هایی اقتصادی نظیر رباخواری، جابجایی ماه‌های حرام و عدم رعایت اصول اخلاقی در کسب را در پیش گرفتند. این عوامل منجر به ایجاد طبقه‌ای ثروتمند و قوی در جامعه مکه شد که برای حفظ منافع خود با اسلام مقابله می‌کردند. به تدریج ورود فشارهای اقتصادی بر مکیان نیز سبب شکست آنان در مقابل مدنیان شد.

در مقابل در مدینه به دلیل وضعیت اقتصادی ضعیف‌تر، مانند رواج کشاورزی و باغداری و دام‌پروری و اموری از این دست، تقویت روحیه صبوری، عدم سوداگری، عدم ایجاد طبقه ثروتمند و عدم تجمع ثروت در دست عده‌ای به وجود آمد؛ زیرا از نظر روانشناسی کشاورزان و افرادی که با زمین سرکار دارند در مقابل اندیشه‌های منطقی بهتر عمل می‌کنند. مدنیان چون دارای روحیه تجاری نبودند و بیشتر امورات آنان با توجه به شرایط اقلیمی و سرزمینی مبنی بر صبر و تفکر و تأمل شکل گرفته بود سبب شد سیاست‌گذاری نادرستی به اندازه مکیان در امور اقتصادی نداشته باشند.

منابع

قرآن کریم

۱. ابن شبه حرانی، حسن (۱۴۱۰ق)، تحف العقول، ج ۱، قم، انتشارات جامعه مدرسین.
۲. ابن سینا، حسین بن عبدالله (۱۳۶۷)، قانون در طب، ترجمه عبدالرحمان شرفکندی، کتاب سوم، جلد اول، تهران، انتشارات سروش.
۳. ابوالفرج اصفهانی (بی‌تا)، الأغانی، بیروت: دار احیاء التراث العربی.

۴. احمد ابراهیم الشریف (بی تا)، مکه و المدينة فی الجاهلیة و عهد الرسول، دارالفکر العربی.
۵. امین، احمد (۱۳۱۶)، پرتو اسلام، مترجم عباس خلیلی، انتشارات اقبال.
۶. پیشوایی، مهدی (۱۳۷۸)، تاریخ اسلام از جاهلیت تا رحلت پیامبر اسلام، قم، معارف.
۷. ترنر، برایان. اس (۱۳۸۰)، ویر و اسلام با پانویشت‌های انتقادی و مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی ماکس وبر، مترجمان: حسین بستان، علی سلیمی، عبدالرضا علیزاده، قم، پژوهشکده حوزه و دانشگاه.
۸. جعفریان، رسول (۱۳۸۰)، تاریخ سیاسی اسلام، سیره رسول خدا، قم، انتشارات دلیل.
۹. جواد علی (بی تا)، المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام، بیروت، دار العلم للملایین، بغداد، مکتبة النهضة.
۱۰. حتی، فیلیپ (۱۳۶۶)، تاریخ عرب، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران، آگاه.
۱۱. دورانت، ویل (۱۳۴۳)، تاریخ تمدن، ابوالقاسم پاینده، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
۱۲. زریاب، عباس (۱۳۷۶)، سیره رسول الله، تهران، انتشارات سروش.
۱۳. زرین کوب، عبدالحسین (۱۳۶۲)، بامداد اسلام، تهران، امیرکبیر.
۱۴. زمخشری، (۱۴۰۷)، جارالله، الکشاف، بیروت، دار الکتب العربی.
۱۵. سام دلیری، کاظم (۱۳۸۴)، بررسی جامعه‌شناختی عدم گسترش آلام در مکه و شکوفا شدن آن در مدینه، علوم اجتماعی دانشگاه فردوسی مشهد، ص ۷۵-۱۰۶.
۱۶. سبحانی، جعفر (۱۳۵۱)، فروغ ابدیت، ج ۲، قم، انتشارات حوزه علمیه.
۱۷. سهروردی، شهاب‌الدین (۱۳۷۸)، مونس العشاق به انضمام شرح مونس العشاق، تصحیح و توضیح: نجیب مایل هروی، نظم عمادالدین عرب‌شاه یزدی، تهران، انتشارات مولی.
۱۸. شهیدی، سید جعفر (۱۳۶۹)، تاریخ تحلیلی تا پایان امویان، تهران، مرکز نشر دانشگاهی.

۱۹. عبدالعزيز بن ادريس، عبدالله (بی تا)، مجتمع المدينة فی عهد الرسول، ریاض، عمارة شؤون المكتبات، جامعة الملك سعود.
۲۰. فارابی، ابونصر محمد (۱۳۷۱)، سیاست مدنیه، ترجمه سید جعفر سجایی، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۲۱. لوبون، گستاو (۱۳۳۴)، تمدن اسلام و عرب، مترجم محمدتقی فخر داعی گیلانی، تهران، بنگاه مطبوعاتی علی اکبر علمی.
۲۲. محمد امیریان، محمد (۱۳۸۰)، روش تحقیق علوم اجتماعی از اثبات گرایی تا هنجار گرایی، ترجمه عبدالقادر سواری، تهران، انتشارات پژوهشکده حوزه و دانشگاه و المعهد العالمی للفکر الاسلامی.
۲۳. موننگری وات، ویلیام (۱۳۴۴)، محمد پیامبر و سیاستمدار، کتابفروشی اسلامی.
۲۴. واقدی، محمد بن عمر (۱۴۰۹ / ۱۹۸۹م)، کتاب المغازی، تحقیق مارسدن جونس، بیروت، موسسه الاعلمی.
۲۵. هیکل، محمدحسین (بی تا)، زندگانی محمد. بی جا.
۲۶. یاقوت حموی (بی تا)، معجم البلدان، بیروت، دار بیروت للطباعة والنشر.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پروشکاه علوم انسانی ومطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی